

اکیاتان

نویسنده: استوارت. سی. براون*
ترجمه‌ی: رضا دستجردی

دوره‌ی هخامنشی

بنا کرده بود) برپا کرد.

در دنیای باستان، اکیاتان از نقطه نظر ثروت فراوان و معماری سلطنتی باشکوه، شهره‌ی آفاق بود؛ هرچند که بر اساس گفته‌های الیان، قصرهای هنری باشکوه‌تر بودند. جزئی‌ترین و شاید قابل اعتمادترین کتیبه و نگاشته‌ی باستانی در مورد این شهر، مربوط به پولیبیوس است که محدوده‌ی کاخ سلطنتی را با داشتن فضایی با تقریباً هفت محوطه توصیف می‌کند؛ فضایی برابر با تمام هگمتانه. چوب سدر و چوب‌های درخت‌های سرو، با پوشش‌هایی از طلا و نقره به کار رفته بودند و سقف نیز با سفال‌هایی از جنس نقره پوشانده شده بود. این ادعای ژوزفوس که دانیال پیامبر کاخی باشکوه و مجلل در اکیاتان بنا کرد و مقبره‌های شاهان مادی، هخامنشی و پارتی که توسط روحانیان یهود پاس‌داری می‌شد، در آن قرار داشت، کاملاً خیالی است.

اسکندر مقدونی، دوبار از شهر بازدید کرد. در بهار سال ۳۳۰ پیش از میلاد، او به دنبال فتح و تصرف وحشیانه‌ی تخت جمشید و پاسارگاد و در تعقیب داریوش، به اکیاتان رفت. پارمنیو، جانشین نظامی اسکندر، برای سرپرستی و سرکشی به ارتباطات لشکریان در آن‌جا ماند، اما مدت زمان کوتاهی پس از آن، در آن‌جا به قتل رسید.

اسناد، مدارک و تاریخچه‌ی «نیونیدوس» در اوایل قرن ششم پیش از میلاد این گونه نشان می‌دهد که کوروش کبیر، پدرزنش آستیگس، آخرین امپراتور سلسله‌ی ماد را شکست داد و گنجینه‌ی وی را به «انسان» منتقل کرد. کوروش و جانشینان وی، از اکیاتان به عنوان پایتخت تابستانی و خزانه‌ی سلطنتی بهره می‌جستند. غالباً فرض می‌شود که شهر مرکز بایگانی سلطنتی نیز بوده است، چون دستور کوروش مبنی بر بازسازی معبد اورشلیم در آن‌جا یافت شد. اما در حقیقت هیچ منبعی بر وجود بایگانی در آن‌جا دلالت ندارد. از ادعاهای پلینی که اکیاتان به مگی‌ها تعلق داشت هم، مطلب خاصی برداشت نمی‌شود.

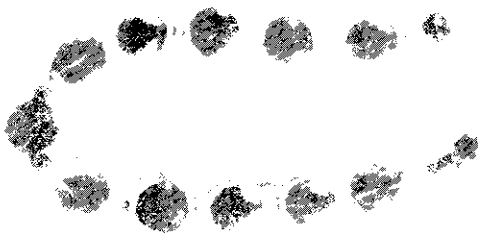
در ۵۲۱ پیش از میلاد، داریوش بزرگ در آن‌جا ماند تا فراورتیش (فراروتس)، مدعی تاج و تخت مادی دست‌گیر شد و او را برای محاکمه و سپس اعدام، به شهر بازگرداندند. رشد و گسترش مجموعه‌های سلطنتی در امپراتوری هخامنشیان، لوح‌های داریوش بزرگ و حجاری‌های اردشیر دوم روی ستون‌ها و در شوش مشهود است و تصور می‌شود، پایتخت وی شوش بوده است. برسوس معتقد است که اردشیر - احتمالاً اردشیر دوم - نیز یک مجسمه‌ی «آناهیتا» در اکیاتان (همان‌گونه که در دیگر شهرهای بزرگ و عمده‌ی امپراتوری



ظرف سفالی قهوه ای مایل به سرخ
محل کشف: منطقه سنگ شیر همدان



سکه ی فرهاد دوم پادشاه اشکانی
منطقه سنگ شیر همدان



گردن بند از جنس عقیق، لاجورد، خمیر شیشه و نقره
منطقه سنگ شیر همدان

پیش از ادامه‌ی پیشروی اسکندر به سمت شرق، وی غنایم غارت شده‌ی پارسی را در اکباتان ذخیره و انباشته کرد و بخش عمده‌ی طلا و نقره‌ی به کار رفته در کاخ را نیز غارت کرد. در بازدید دوم اسکندر از اکباتان در پاییز سال ۳۲۴ پیش از میلاد، هفاستیون (اسب اسکندر) که اسکندر علاقه‌ی خاصی به وی داشت، در آن جا مرد. منابع پارسی البته با اندکی تردید نقل می‌کنند که اسکندر در غم از دست دادن وی، معبد «آسکلپیوس» را ویران کرد. الیان مدعی است که شهر و دیوارهای آن تخریب شدند، در حالی که براساس دیوارهای به جای مانده‌ی قلعه‌های نظامی از زمان پولیبیوس، بسیار روشن است که خود شهر هیچ‌گونه دیواری نداشته است.

دوره‌ی پارتیان

کتیبه‌ی یونانی روی مجسمه‌ی هراکلس در بیستون که به تاریخ ۱۴۹/۴۸ پیش از تاریخ بازمی‌گردد، هم‌چنان به کلتومنس به عنوان ساتراپ ایالت‌های بالادست (ماد) اشاره دارد. این کتیبه روشن می‌کند که ماد و اکباتان تا سال ۱۴۷ به دست میتراداتس اول، پادشاه پارتی نیفتادند. تلاش آنتیوخوس هفتم در سال ۱۳۰ برای احیای قدرت سلوکیان در ایران، احتمالاً در اکباتان همانند تهاجم تیگرانس دوم ارمنی در سال‌های پایانی حکومت میتراداتس دوم، متوقف شده است. حکام پارتی به استفاده و بهره‌برداری از اکباتان به عنوان اقامتگاه سلطنتی تابستانی و ضراب‌خانه‌ی سلطنتی ادامه دادند. از بناهای پارتیان در شهر، قلعه‌ی نظامی مصلاست.

دوره‌ی ساسانیان

اکباتان تا سال ۲۲۶ میلادی در دوره‌ی پارتیان مورد توجه بود تا آن‌که «آتروپاتن» (آذربایجان امروزی) تا شمال توسط اردشیر اول به تصرف درآمد. مدارک ضد و نقیضی در مورد استفاده از اکباتان به عنوان یک اقامتگاه سلطنتی تابستانی در این دوره وجود دارد. طبق نوشته‌های ابن‌الفقیه، بناهای ساسانیان، در حفاصل پایتخت در تیسفون و کوه‌الوند و نه آن سوی آن، و نه حتی در همدان قرار داشت. شهر اندکی پس از جنگ نهاوند، در سال ۶۴۲ میلادی سقوط کرد و پس از آن به یک مرکز ولایتی تبدیل شد.

مأخذ

پیش از ادامه‌ی پیشروی اسکندر به سمت شرق، وی غنایم غارت شده‌ی پارسی را در اکباتان ذخیره و انباشته کرد و بخش عمده‌ی طلا و نقره‌ی به کار رفته در کاخ را نیز غارت کرد. در بازدید دوم اسکندر از اکباتان در پاییز سال ۳۲۴ پیش از میلاد، هفاستیون (اسب اسکندر) که اسکندر علاقه‌ی خاصی به وی داشت، در آن جا مرد. منابع پارسی البته با اندکی تردید نقل می‌کنند که اسکندر در غم از دست دادن وی، معبد «آسکلپیوس» را ویران کرد. الیان مدعی است که شهر و دیوارهای آن تخریب شدند، در حالی که براساس دیوارهای به جای مانده‌ی قلعه‌های نظامی از زمان پولیبیوس، بسیار روشن است که خود شهر هیچ‌گونه دیواری نداشته است.

در سال ۳۲۸ پیش از میلاد، اسکندر اوکسیداتس را، «ساتراپ ماد» کرد. با مرگ اسکندر در سال ۳۲۳، پردیکاس، ساتراپی جنوب ماد را که اکباتان را نیز شامل می‌شد، به پیتون مقدونی داد که بعدها توسط آنتیگونوس اعدام شد و اورونتویاتس ایرانی جانشین او شد. کوک معتقد است که جایگاه ساتراپ به جای اکباتان، ممکن است کاخی بوده باشد که آنتیگونوس در سال ۳۱۶ زمستان را آن‌جا به سر برد. از نوشته‌های کاراکس اینگونه برداشت می‌شود که کاخ در دره‌ی اسداباد در غرب کوه‌الوند بود. به هر حال، این مکان زمانی که معابر الوند پوشیده از برف و مسدود می‌شد، پایگاه زمستانی برای کنترل آمد و شدها به غرب بوده است.

شهر بعدها به دست نیکاتور سلوکوس اول افتاد (۳۰۵ تا ۲۸۱ پیش از میلاد) که همان روش آنتیگونوس را در غارت طلاها و نقره‌های شهر در پیش گرفت. به هر حال، طبق نوشته‌های پلینی، وی هم‌چنین کوشید تا شهر اهمیت پیشین خود را باز یابد. در زمان آنتیوخوس سوم (۲۲۲ تا ۱۸۷ پیش از میلاد) معبد آنهایتا هم‌چنان ستون‌هایی از جنس طلا داشت. درون معبد هم با کاشی‌های نقره‌ای و آجرهایی از جنس طلا و نقره پوشانده شده بود. جدا از این مواد و مصالح، آنتیوخوس سکه‌های سلطنتی با ارزش تقریبی ۴۰۰۰ تالان را برای انباشتن دوباره‌ی خزانه‌ی تهی‌شده‌اش ضرب کرد. در راستای برنامه و طرح وی برای هلنیستی و یونانی کردن پادشاهی، آنتیوخوس ششم،